



ادامه از صفحه قبل

بنابراین، اگر کسی از آنها، چیزی را از روی ستم از افراد گرفت [وظیفه دارید] او را در برابر عملش کیفر کنید. [و به شما نیز توصیه می‌کنم که] جلوی زیان‌های بی‌خردان منطقه خود را نسبت به سپاهیان بگیرید و جز در آن موارد که استثنا کردم، متعرض آنان نشوید. من خود، پشت سپاه در حرکتیم؛ شکایات خود را پیش من آورید. در آن مواردی که آنها بر شما چیره شده‌اند و شما قدرت دفع آن را جز با کمک خداوند و من ندارید، به من مراجعه کنید که من به کمک خداوند، آن را تغییر می‌دهم.» بدین‌سان، امام بزرگوار ^(ع)، در مقابل انحراف و تجاوز به قانون، برای حفظ و عظمت آن، حدی قائل می‌شود و آن را صیانت می‌بخشد.

(و تجاوزنکردن به حقوق دیگران

هر فردی در جامعه، کرامت و حقوقی دارد و تجاوز به کرامت، آزادی و حقوق افراد جامعه، شکلی از انواع ظلم به حساب می‌آید. خداوند متعال، ظالم را به این دلیل مجازات خواهد کرد و رنج این مجازات به مراتب بدتر از درد ظلمی است که به مظلوم رسیده؛ حضرت علی ^(ع) در این‌باره می‌فرماید: «يَوْمَ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ؛ روز [انتقام] مظلوم از ظالم، شدیدتر از روز [ستم‌کردن] ظالم بر مظلوم است.»

چقدر زشت و ناپسند است که فقرا و مستضعفان، قربانی ظلمی باشند که نتوانند در برابر آن مقاومت و از حقوق خویش دفاع کنند.

امام ^(ع) می‌فرماید: «ظَلُمَ الضَّعِيفُ أَفْحَشُ الظُّلْمِ؛ ستم بر ناتوان، بدترین ستم است.»

و نیز می‌فرماید: «وَيْلٌ لِمَنْ خَصِمَهُ الْفُقَرَاءُ وَالْمَسَاكِينُ؛ بدا به حال آنکه فقرا و مساکین، خصم او باشند.» حکام و افراد جامعه باید در مقابل ظالم بایستند و او را بر سر جای خود بنشانند و حقوق مظلومان را از دست او بگیرند. حضرت، در این باره می‌فرماید: «لَا تُصَفِّرْ لِمَظْلُومٍ مِنْ ظَّالِمِهِ؛ [به خدا سوگند!] داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم.» و نیز می‌فرماید: «لَنْ تَقْدَسَ أَمَّةٌ لَا يُؤَخَّذَ لِبُصْفِيفٍ فِيهَا حَقٌّ مِنَ الْقَوِي غَيْرَ مُتَتَّعٍ؛ ملتی که در آن حق ضعیف از زورمند با صراحت گرفته نشود، هرگز پاک و پاکیزه نمی‌شود.»

• عدالت اجتماعی در سیره علوی ^(ع)

مهمترین برنامه‌های امام علی ^(ع) برای اجرای عدالت اجتماعی را می‌توان به شرح ذیل دانست:

(الف) رؤس کلی اجرای عدالت

- پایبندی به حقوق؛
- توسعه آزادی‌های سازنده؛
- مهربانی و دوستی با مردم؛
- ارتباط مستقیم با مردم؛
- تاب آوردن در دشواریهای مردم؛
- دوری از خشم؛
- پرهیز از پی‌جویی عیب‌ها؛
- آشکاراسختن عذرها برای دفع بدگمانی؛
- کمک به ستم‌پدگان؛
- بنیادنهاد صندوق شکایت‌ها؛
- بازرسی برای برچیدن ستم لشکریان؛
- کوشش برای اتحاد جامعه اسلامی؛
- اهتمام به خشنودسازی مردم؛
- توسعه آموزش و پرورش و تعلیم همگانی؛
- بازداشتن مردم از برهم‌زدن سنت‌های پسندیده و ستیز با سنت‌های ناپسند.

(ب) تعیین دستگاه قضاوت برای احقاق حق مردم (در بخش قضایی)

از عهد خلافت عثمان که کارها به دست بنی‌امیه افتاده بود، دستگاه دادرسی ضعیف شد و تبعیض، خویش‌پرستی، برتری‌جویی و قومیت عرب دوباره احیا گردید. وقتی امیرمؤمنان، علی ^(ع) به خلافت رسید، اعاده قدرت قوانین اسلامی و کوتاه‌کردن دست قاضیان نادرست و بازگرداندن

اموال مغضوبه بیت‌المال را وجهه همت خود قرار داد. حضرت، از همان روز اول زمامداری اعلام داشت که عدالت مطلق بین همه شهروندان کشور اسلامی اعم از قرشی و غیرقرشی و عرب و عجم و سیاه و سفید و مسلم و ذمی، برنامه کار خلافت ایشان است و با دقت اجرا خواهد شد.

امام علی ^(ع) راه نجات مسلمانان و عظمت اسلام را در تعمیم عدالت و اصلاح محاکم و بنیانگذاری «نظام دادرسی» می‌دانست.

آن جناب، آیین دادرسی را در اسلام به وجود آورد و محکمه قضا را نظم و سر و صورت داد و ضوابط و اصولی برای آن وضع کرد که همه بی‌سابقه بود. در عهد حضرت، برای نخستین‌بار، قوانین محاکمات مدون شد و یک‌نواختی در محاکم اسلام به وجود آمد؛ زیرا بعضی خلفای گذشته نوشتن احکام و جمع احادیث را اجازه نمی‌دادند. همچنین در عهد علی ^(ع)، اصول محاکمات به‌صورت علمی رواج یافت. برای مثال، آن‌حضرت بود که مقرر فرمود برای احتراز از تبانی، باید شهود از یکدیگر جدا و برای ادای شهادت تک تک نزد قاضی حاضر شوند. آرائی که امام علی ^(ع) صادر کرده، از بس ماهرانه و عادلانه است تا به امروز زبان‌زد قضات و راهنمای ایشان است.

قضایای علی ^(ع) یعنی حکمهایی که آن حضرت صادر فرموده است، نام کتابهایی است که فقهای مذاهب مختلف جمع‌آوری کرده‌اند. اقدام اساسی دیگر حضرت علی ^(ع)، برای اصلاح محاکم، آموزش قضات و امتحان ایشان بود. حافظ ابونعیم اصفهانی روایت کرده است که آن حضرت، قضات را در کوفه جمع آورد و آنان را آموزد و به افرادی اجازه دادرسی داد که به پرسش‌های آن حضرت، پاسخ درست دادند. این اقدام در آن زمان که هر قاضی بنا بر استنباط و درک شخصی از کتاب و سنت به صدور رأی می‌پرداخت، مکمل اصلاح دستگاه عدالت در عهد امیرمؤمنان ^(ع) بود.

برای حصول اطمینان از حسن جریان عدالت، امام علی ^(ع) همان گونه که شخصاً به امور شهری، قیمت‌ها، ترازوها و پیمانه فروشندگان غلات، کار قصابان، بقالان، خرمافروشان و پارچه فروشان و . . . رسیدگی، و محاکم کوفه را نیز به خصوص زیرنظر داشت و کار دادرسان را شخصاً بازرسی می‌فرمود.

طبقه بندی مشاغل از ابتکارات آن حضرت است و آن جناب، در آن طبقه بندی، شغل دادرسی را از مشاغل اساسی شمرده و در دستور جامع خود به مالک اشتر، صفات قاضی لایق و باایمان و وظایف او را به صورتی بیان داشته است که تا امروز در مرفقی ترین جوامع بشری، سرمشق دستگاه‌های عدالت است. امام ^(ع)، در آن دستور چنین فرموده:

برای داوری بین مردم، کسی را انتخاب کن که شخصاً او را از سایر مسلمانان برتر می‌دانی. کسی که امور پیچیده و دشوار، او را در تنگنا نگذارد و دادخواهان و اصحاب دعوا، وی را به لجajt نکشاند و دچار اشتباه و لغزش نکنند. کسی که چون حق را باز شناخت، از بازگشت به آن دلتنگ نشود و نفس او به طمع نگراید و به اندیشه کوتاه و بررسی مختصر، قناعت نکند و هنگام پیدا شدن شبهه، بیش از دیگران حوصله کند و فکر به کار برد و بیش از سایر مردم، اهل استدلال و حجت باشد و هنگام مراجعه دادخواهان، دلتنگ نشود و در پژوهش مسائل، شکیبایی بیشتری به خرج دهد و در وقت صدور حکم، قاطعیت داشته باشد. باید قاضی را از بین کسانی برگزینی که تعریف و ستایش بسیار، آنها را به خودپسندی نکشاند و مغرور و فریفته نسازد و تحت تأثیر قرار ندهد.

البته چنین اشخاصی اندک‌اند. وقتی چنین قاضی را پیدا کردی، باید شخصاً کار او را زیر نظر بگیری و از او حمایت کنی. باید با دستی گشاده به او عطا بخشی تا هیچ کمبود و بهانه‌ای نداشته باشد و نیازش به دیگران اندک شود. باید نزد خود چنان منزلت و مقامی به او بدهی که سایر خواص و نزدیکان تو در او طمع نکنند و او را تحت تأثیر قرار ندهند و در پرتو این تقرب، از کارشکنی سایر رجال دولت ایمن شود. در کار استقرار عدالت و اصلاح حال قضات، به دقت نظر کن و درست بیندیش؛ زیرا این دین، در دست اشرار اسیر بوده، که در آن، به هوای نفس خود کار می‌کرده‌اند و آن را وسیله دنیاجویی خود ساخته بودند.

ج. برنامه اصلاحی کامل درباره بیت‌المال (در بخش اقتصادی)

پس از آنکه هدف علی ^(ع)، در به دست گرفتن حکومت و اساس برنامه حکومت حضرت را دانستیم و دریافتیم که آن بزرگمرد، تنها حرف

نمی‌زند، بلکه به گفته هایش عمل می‌کند، اکنون به بررسی برنامه اصلاحی کامل آن جناب، می‌پردازیم که درباره بیت‌المال اجرا کرد. در گفتار و نوشتارهای امام علی ^(ع)، درباره بیت‌المال، یک سلسله برنامه‌های کلی به چشم می‌خورد که می‌توان همه آنها را به هفت موضوع ذیل، خلاصه کرد:

- کوشش در آباد کردن زمینها و گسترش تولیدات اقتصادی و حفاظت جدی از آنها؛
- چگونگی گردآوری و نگهداری بیت‌المال؛
- شرایط کسانی که بیت‌المال تحت نظر آنها اداره می‌شود؛
- مصارف بیت‌المال؛
- تقسیم بیت‌المال به طور مساوی و جلوگیری از تبعیضات؛
- دقت در حفظ بیت‌المال و هشدار به کسانی که بیت‌المال در اختیار آنها است؛
- کیفر جنایتکاران به بیت‌المال.

یکی از شنون حکومت و وظایف خطیر رهبر، پاسداری از اموال عمومی و بیت‌المال است؛ زیرا خیانت به بیت‌المال علاوه بر عواقب شوم معنوی آن، باعث درهم شکستن نظام حکومت و عدالت اجتماعی و به وجود آمدن هرج و مرج و تبعیضات ضد بشری و اختلافات طبقاتی می‌شود؛ از این روست که رهبران الهی در انجام این وظیفه و مسئولیت بزرگ، سخت کوشا و جدی بوده‌اند.

پس از آنکه حضرت، در روز دوم خلافتش بر بالای منبر رفت و آن خطبه را ذکر فرمود (که در بالا به آن اشاره شد،) فردای آن روز، مردم، طبق دستور امام ^(ع)، بر گرفتن سهم خود، حاضر شدند. علی ^(ع)، به خزانه دارش عبدالله بن ابی رافع فرمود: «از مهاجران آغاز کن و آنان را به حضور بطلب و به هر یک سه دینار بده. سپس انصار را به حضور بطلب و به آنان نیز هر یک سه دینار بده. پس از آنها هر یک از مردم که حاضر شدند، چه سرخ پوست باشند یا سیاه پوست، به همین مقدار بده.»

سهل بن حنیف که به غلام سابقش همین مبلغ داده شده بود، به اعتراض برخاست و گفت: «این شخص، دیروز غلام من بود و امروز او را آزاد کرده ام. به او برابر من، سهم می‌دهی؟» علی ^(ع) فرمود: «هر چه به او دادیم به تو نیز می‌دهیم.

امیرالمؤمنین ^(ع)، به همه افراد سه دینار داد؛ بی آنکه بین آنها فرقی بگذارد. افرادی چون: طلحه، زبیر، عبدالله عمر، سعید بن عاص، مروان، عده‌ای از قریش و . . . با این روش مخالفت کردند و دنبال آن را گرفتند؛ آنها که به سبب موقعیت مصنوعی خود، از عثمان، چندین برابر بیش تر از دیگران می‌گرفتند، از این تقسیم عادلانه به خشم آمدند. سپس با هم به خلوت نشستند و ساز مخالفت را نواختند. زمزمه این مخالفت‌های ناقح، به گوش آن امام همام ^(ع)، رسید. آن بزرگمرد الهی، در پاسخ آنها و کسانی که چنین می‌اندیشیدند، فرمود: به خدا سوگند! اگر بخشیده‌های عثمان را بیابم؛ حتی در جایی که با آن همسرانی گرفته‌اند (و آن را کابین همسران قرار داده‌اند) و یا کنیزانی خریده باشند، به صاحبشان بر می‌گردانم؛ زیرا در عدالت گشایشی است. هر کسی که عدالت او را به تنگ آورد، ستم بر او تنگ‌تر خواهد بود.

امام ^(ع)، با این بیان، در حقیقت به قانون «از کجا آورده ای» که امروز از آن دفاع می‌شود، اشاره می‌کند، تا در پرتو آن، جلو تجاوز و حیف و میل در بیت‌المال گرفته شود.

د. سختگیری بر کارگزاران (در بخش اداری)

امیر مؤمنان ^(ع)، در برابر فرماندارانی که از راه راست تخلف می‌کردند، سختگیری بسیار و در بعضی مواقع، آنها را از سمت خود برکنار می‌کرد؛ برای نمونه:

- از موارد قاطعیت علی ^(ع)، دربارهٔ کارگزاران، نامه‌ای است که به زیاد بن ابیه نوشته: «به خدا سوگند یاد می‌کنم، سوگندی راستین، که اگر به من خبر رسد که در ثروت مسلمانان خیانت کرده ای، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت بگیرم که مالت بسیار اندک شود، و بار هزینه عیال بر دوشت سنگینی کند و خوار و پریشان حال شوی. والسلام.

۲. همچنین وارد شده است که وقتی امام علی ^(ع) خیانت ابن هرّمه، مأمور بازار اهواز را دریافت، به رفاعه چنین نوشت: « هنگامی که نامه ام را خواندی، ابن هرمه را از بازار برکنار کن و او را به خاطر [حقوق] مردم از کار، باز دار و سپس زندانی و خبر آن را اعلان عمومی کن و به کارگزارانت بنویس و نظرم را به آنان ابلاغ کن. درباره ابن هرمه، غفلت یا کوتاهی نکنی که نزد خداوند، هلاک شوی و من هم تو را به بدترین شیوه برکنار خواهم کرد که از این کار، تو را به خدا پناه می‌دهم. هنگامی که جمعه شد، او را از زندان بیرون بیاور و



امام علی (ع) فرمود:

برای داوری بین مردم، کسی را انتخاب کن که شخصاً او را از سایر مسلمانان برتر می‌دانی. کسی که امور پیچیده و دشوار، او را در تنگنا نگذارد و دادخواهان و اصحاب دعوا، وی را به لجajt نکشاند و دچار اشتباه و لغزش نکنند. کسی که چون حق را باز شناخت، از بازگشت به آن دلتنگ نشود و نفس او به طمع نگراید و به اندیشه کوتاه و بررسی مختصر، قناعت نکند و هنگام پیدا شدن شبهه، بیش از دیگران حوصله کند و فکر به کار برد و بیش از سایر مردم، اهل استدلال و حجت باشد و هنگام مراجعه دادخواهان، دلتنگ نشود و در پژوهش مسائل، شکیبایی بیشتری به خرج دهد و در وقت صدور حکم، قاطعیت داشته باشد. باید قاضی را از بین کسانی برگزینی که تعریف و ستایش بسیار، آنها را به خودپسندی نکشاند و مغرور و فریفته نسازد و تحت تأثیر قرار ندهد.

۳۵ تازیانه بر او بزَن و در بازارها بخران. اگر کسی از او شکایت کرد و شاهد آورد، او را سوگند ده و از درآمد ابن هرمه، آن را پرداخت کن. فرمان بده تا او را با خواری و زشتی و فریاد کشیدن بر سرش، به زندان ببرند. با طنابی پاهایش را ببند و وقت نماز او را بیرون آور. اگر کسی برایش غذا، آشامیدنی، لباس و زیراندازی آورد، مانع مشو. مگذار کسی بر او وارد شود تا به او چاره‌ای تلقین کند یا وی را به آزادی امیدوار سازد. اگر برایت روشن شد که کسی مطلبی را به او القا کرده که به مسلمانی زیان می‌رساند، او را با تازیانه تأدیب و زندانی کن تا توبه کند. شبها زندانیان را برای هواخوری به حیاط زندان بیاور؛ جز این هرمه را؛ مگر آنکه ترس از تلف شدنش باشد که او را نیز شب‌ها آزاد بگذار. اگر در او طاقت و توان دیدی، پس از سی روز، ۳۵ تازیانه دیگر، افزون بر ۳۵ تازیانه قبلی بر او بزَن. برای من گزارش کارت را در بازار بنویس و اینکه چه کسی را پس از آن خانن برگزیدی. حقوق این هرمه خانن را هم قطع کن.

۳. علی ^(ع)، اشعث بن قیس را احضار کرد. وی از سوی عثمان، فرماندار آذربایجان بود و صد هزار درهم به دست آورد. برخی گویند که عثمان آن را به وی بخشید و برخی دیگر گویند که آن را در کارش به دست آورد. امام علی ^(ع) فرمان داد که آن را آماده سازد؛ ولی وی سرباز زد و گفت: «ای امیرمؤمنان! این ثروت را در دوران حکومت تو به دست نیاورده ام.» امام ^(ع)، فرمود: «به خدا سوگند! اگر آن را در بیت‌المال مسلمانان حاضر نسازی، این شمشیر را چنان بر تو فرود آورم که هر چه خواست، از تو باز ستاند.» پس اشعث، اموال را آورد و حضرت، آنها را از او گرفت و در بیت‌المال قرار داد. ابن جستجو و پیگیری را برای کارگزاران عثمان انجام داد و هر چه از ثروت در دستشان بود، باز ستاند و در آنچه از میان برده بودند، آنها را ضامن کرد.

۴. گماشتن دیده بان برای کارگزاران از دیگر کارهایی بود که علی ^(ع)، برای عدالت پیشگی فرمانداران خود انجام می‌داد. این کار را برای آن می‌کرد که فرمانداران، عدالت را بهتر برای مردم اجرا، و حق آنها را پایمال نکنند. امام علی ^(ع) در عهدنامه اش به مالک اشتر نوشت: آن‌گاه در امر کارگزارانت بنگر و آنان را با آزمودن، به کار گیر. . . و رفتار آنان را واریسی کن. دیده بانانی صداقت پیشه و وفادار به سویشان گسیل دار؛ چرا که واریسی پنهانی، آنان را به امانتداری و مالیمت با شهروندان و امی‌دارد؛ اگر یکی از آنها دست به خیانتی زد و گزارش دیده بانان تو آن را تأیید کرد، به این گواه، بسنده کن و کیفر او را با تنبیه بدنی، بدو برسان و

آنچه را به دست آورده است، از او بستان. پس او را خوار بدار و خیانتکار شمار و طوق بدنامی را در گردنش بیاویز.

• وظیفه مادر برابر بی‌عدالتی

با عنایت به سیره و کلام امیر مؤمنان ^(ع)، آیا در برابر بی‌عدالتی در جامعه وظیفه‌ای داریم؟ آری، وظایفی داریم و نخستین و کم ترین وظیفه ما، احساس همدردی با مظلوم است.

آن حضرت، در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمَعَاهِدَةِ فَيَتَتَرَعَّ حِجْلَهَا وَ قُبْحَهَا وَ فَلَا يَذْهَبُ وَرُغْنَهَا مَا تَمْتَنِي مِنْهُ إِلَّا بِالْإِسْتِزْحَامِ... فَلَوْ أَنَّ امْرَأًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ يَهْ مَلُومًا بَلْ كَانَ يَهْ عَنَدِي جَدِيرًا؛ به من خبر رسیده که یکی از آنان (اهل شام) به خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمانی وارد شده که جان و مالش در پناه اسلام محفوظ بوده و خلخال، دستبند، گردن بند و گوشواره‌های آنها را از تشنان بیرون آورده است؛ در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند. . . اگر مسلمانی برای این حادثه، از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است.»

وظیفه دیگر ما، قرار گرفتن در کنار مظلوم، علیه ظالم در حدّ توان است. امام ^(ع) در آخرین وصیتش به امام حسن و امام حسین ^(ع) فرمود: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِمَظْلُومٍ عَوْنًا؛ دشمن [سرسخت] ظالم، و یاور [و همکار] مظلوم باشید.»

جامعه‌ای که عدالت در آن برپا نیست، فاقد حیات انسانی و زندگانی معنوی است و دیانتی که در آن اهتمام به برقراری عدالت نیست، مایه گمراهی است و حکومتی که عدالت، هدف آن نیست و در راه برقراری عدالتی همه جانبه و فراگیر گام نمی‌زند، در مسیر هلاکت است؛ زیرا اصلاح دین و دنیای مردمان به وسیله عدالت، ممکن است.

همچنین وظیفه داریم طبق فرمایش امیر مؤمنان ^(ع)، برای تحقق عدالت اجتماعی و مبارزه با ستم، کوشش کنیم؛ چنان که حضرت ^(ع) می‌فرماید: «وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُفَاهُوا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبَ مَظْلُومٍ؛ خداوند پیمانی از علما و دانشمندان [هر جامعه] گرفته است که در برابر شکمخواری ستمگران و گرسنگی ستم‌دیدگان، سکوت نکنند.

پشامبر اکرم ^(ص) می‌فرماید:

«هر کس از علی جدا شود، از من جدا گشته و هر کس از من جدا شود، از خداوند عزوجل جدا گشته است.»